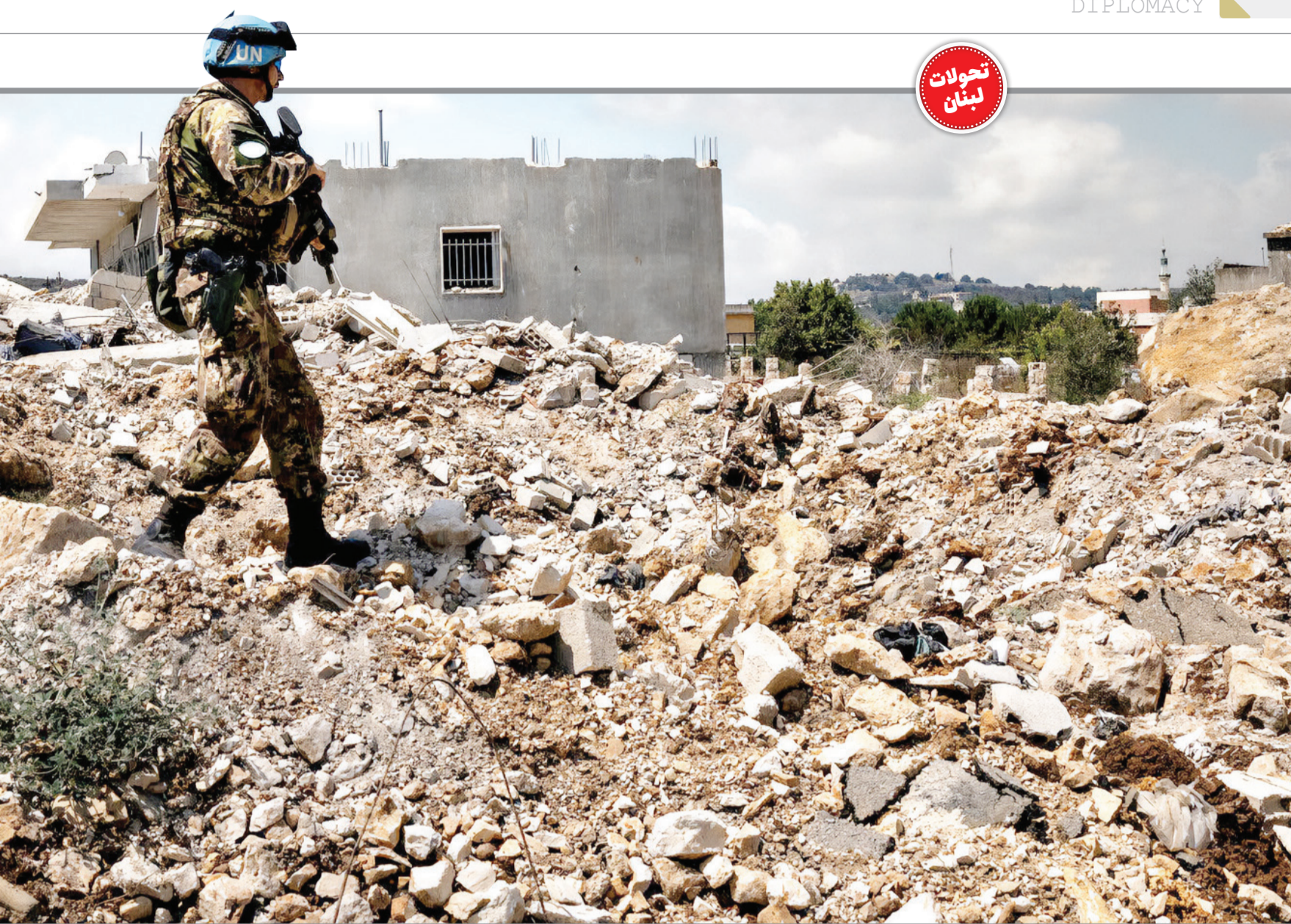


تحولات
لبنان

عکس: Nymtimes

خط آبی مرزی از جنس خون

اجرای کامل قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد فقط به معنای عقب نشینی حزب الله به شمال رودخانه لیتانی نیست

مستقیماً به عقب نشینی حزب الله از جنوب لبنان اشاره نشده است، اما تأکید شده است که هیچ نیروی نظامی، تسلیحات و مهماتی جز متعلق به ارتش لبنان و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در حد فاصل رودخانه لیتانی و خط آبی قرار نداشته باشند.

رودخانه لیتانی که امتداد شرق به غرب آن در جنوب لبنان قاسمیة نامیده می شود، نزدیک به ۲۹ کیلومتر با خط مرزی اسرائیل و لبنان فاصله دارد و عقب نشینی حزب الله از این منطقه به معنای ایجاد یک نوار حائل سرزمینی به عمق بیش از ۳۰ کیلومتر بین اسرائیل و حزب الله است. هر چند قطعنامه ۱۷۰۱ در سال ۲۰۰۶ توانست مانع از ادامه درگیری ها در جنوب لبنان شود، اما برخی مفاد آن هرگز اجرایی نشد. از یک سو اسرائیل تعهدات خود را مبنی بر عقب نشینی کامل از خاک لبنان عملی نکرد و حزب الله لبنان نیز به همین دلیل حاضر نشد از نزدیکی مرز دور شود.

از زمان صدور قطعنامه تاکنون هر دو طرف مستمراً یکدیگر را به نقض مفاد آن متهم می کنند، اسرائیل مدعی شده است که یگان رضوان حزب الله با زرادخانه تسلیحات خود در منطقه جنوب رودخانه لیتانی مستقر شده است. اسرائیل همچنین مدعی شده بود که حزب الله تحت پوشش نهادهای محیط زیستی محلی در نزدیکی مرز از نیروهای اسرائیل جاسوسی می کند. در برابر دولت لبنان حتی قبل از وقوع درگیری های اخیر مرتباً از نقض مکرر تمامیت ارضی و تجاوز به آسمان لبنان توسط جنگنده ها و ناوهای جنگی اسرائیل شکایت می کرد.

بسیاری از تحلیل گران باور دارند که قطعنامه ۱۷۰۱ یکی از مهم ترین دستاوردهای شورای امنیت سازمان ملل متحد برای مدیریت بحران در لبنان بود. هر چند در متن پیش نویس ارائه شده توسط فرانسه اشاره ای به عقب نشینی اسرائیل از خاک لبنان نشده بود، اما با فشار دیپلماتیک دولت فواد سینیوره، عقب نشینی اسرائیل هم به این قطعنامه اضافه شد. بر اساس این قطعنامه ۱۵ هزار نیروی حافظ صلح سازمان ملل (نیروی موقت سازمان ملل در لبنان UNIFIL) در حفاصل بین خط آبی تا رودخانه لیتانی مستقر شده اند. مسئولیت این نیروها حفظ آرامش، کمک به بازگشت و استقرار آوارگان در محل سکونت شان و حفظ امنیت منطقه در کنار ارتش لبنان بود. نیروهای سازمان ملل متحد تاکنون بارها از اسرائیل خواسته اند تا بخش های مختلف خاک لبنان را ترک کنند و به پشت نقاط نشانه گذاری شده خط آبی بازگردند، اما اسرائیل به این درخواست ها توجهی نمی کند.

اسرائیلی از خاک لبنان، حل و فصل نقاط مورد اختلاف در مورد اشغال خاک لبنان توسط اسرائیل و پس از آن اجرای مفاد مرتبط با عقب نشینی نیروهای مسلح از جنوب لبنان است. نجیب میقاتی، نخست وزیر پیشبرد امور لبنان پنجشنبه هفته گذشته در سخنانی تأکید کرد که اسرائیل تاکنون بیش از ۳۵ هزار بار مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ را نقض کرده است.

اسرائیل در طول سال های گذشته بارها ادعا کرده است که در صورت عقب نشینی حزب الله لبنان به شمال رودخانه لیتانی حملات خود را به لبنان متوقف خواهد کرد. ادعای اسرائیل در حمله اخیرش هم این است که نمی خواهد اجازه بدهد فرصت حمله ای مشابه ۷ اکتبر توسط حماس از سمت مرزهای لبنان هم وجود داشته باشد و در عین حال امنیت کامل مرزهای شمالی را تأمین کند تا نزدیک به ۶۰ هزار ساکن این مناطق که بر اثر حملات حزب الله مجبور به ترک شهرک های اسرائیلی نشین شده اند به خانه های خود برگردند. در برابر حزب الله لبنان هم می گوید که در صورت پایان اشغال سرزمین های متعلق به لبنان توسط اسرائیل آماده اجرای مفاد این قطعنامه است. از آغاز جنگ اسرائیل در غزه، حزب الله تأکید می کند مادامی که حملات به غزه متوقف نشود، حملات خود را به مرزهای شمالی سرزمین های اشغالی متوقف نخواهد کرد. در ماه های گذشته، واشنگتن با انگیزه اعلام شده جلوگیری از گسترش درگیری ها در منطقه و تلاش برای جلوگیری از حمله اسرائیل به جنوب لبنان، تلاش کرد تا حزب الله را وادار به پذیرش آتش بس مستقل و انفکاک منازعه در جنوب لبنان با جنگ غزه کند. آموس هوکشتاین، فرستاده ویژه آمریکا در امور لبنان در سفر به بیروت تلاش کرد تا در تماس با دولت لبنان و واسطه های نزدیک به حزب الله، این گروه را وادار به رضایت به آتش بس مستقل کند. جمعه هفته گذشته، پس از عملیات اسرائیل که منجر به ترور سید حسن نصرالله شد، برخی رسانه های غربی مدعی شدند که عدم پذیرش آتش بس مستقل از سوی حزب الله باعث شد که اسرائیل این عملیات را اجرایی کند.

همچنان موانع گسترده ای در خصوص اجرای این قطعنامه وجود دارد. قطعنامه ۱۷۰۱ چند حکم اصلی دارد که مهم ترین آن عقب نشینی نظامیان اسرائیلی به پشت خط آبی (سرحد تعیین شده برای عقب نشینی اسرائیل پس از پایان اشغال جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰) و عقب رفتن حزب الله لبنان تا شمال رودخانه لیتانی است. این قطعنامه همچنین در درازمدت خواهان خلع سلاح کامل همه نیروهای مسلح غیردولتی شده است. در واقع در متن قطعنامه

شهاب شهسواری
خبرنگار گروه دیپلماسی



قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد ۲۰ مرداد ۱۳۸۵ در سی و یکمین روز از جنگ ۲۰۰۶ اسرائیل و لبنان با اجماع جهانی رای مثبت ۱۵ عضو شورای امنیت تصویب شد. این قطعنامه از اسرائیل می خواهد که نیروهای خود را به پشت خط آبی (خط عقب نشینی سال ۲۰۰۰) منتقل کند. مرزهای جنوب لبنان از سال ۱۹۷۸ تاکنون تحت حملات و تجاوزهای مستمر اسرائیل قرار دارد. نخستین قطعنامه شورای امنیت برای استقرار نیروهای حافظ صلح در جنوب لبنان سال ۱۹۷۸ در پی حملات اسرائیل به پناهگاه مبارزه با نیروهای مسلح سازمان آزادی بخش فلسطین در جنوب لبنان صادر شد. از سال ۱۹۸۴ با تشکیل حزب الله لبنان، نیروهای لبنانی تلاش برای مقابله با حملات اسرائیل را تشدید کردند که سال ۲۰۰۰ این نیروها توانستند اسرائیل را وادار به عقب نشینی از جنوب لبنان کنند. خط آبی، سرحدی است که توسط سازمان ملل برای نشانه گذاری محل عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان ایجاد شد که سال ۲۰۰۶ پس از جنگ ۳۳ روزه میان حزب الله لبنان و اسرائیل صادر شد، ماموریت های جدیدی برای نیروهای حافظ صلح تعریف کرد و بار دیگر بر عقب نشینی نیروهای اسرائیلی به پشت خط آبی تأکید کرد. هدف از تصویب این قطعنامه علاوه بر پایان دادن به این درگیری ها میان حزب الله و اسرائیل، عقب نشینی نیروهای دو طرف و استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد بود. بعد از گذشت ۱۸ سال از تصویب این قطعنامه با تشدید درگیری ها در جنوب لبنان و حملات گسترده اسرائیل به جنوب لبنان، بیروت، دشت بقاع، صور و صیدا بار دیگر تلاش ها برای اجرای مفاد این قطعنامه از سر گرفته شده است. مقام های دولت لبنان بارها از آمادگی لبنان برای اجرای کامل قطعنامه ۱۷۰۱ سخن گفته اند؛ سخنانی که گهگاه از سوی تحلیل گران به معنای حمایت دولت لبنان از خواسته های اسرائیل در مورد حزب الله تعبیر شده است. با این حال به نظر می رسد که اجماع میان مقام های دولت لبنان در مورد اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ به معنای اجرای گام به گام این قطعنامه است که نخستین گام های آن توقف کامل درگیری ها و ترک تخاصم، عقب نشینی کامل نیروهای

آنچه در این ستون می خوانید، دیدگاه های رسانه های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع رسانی منتشر می شود و این دیدگاه ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.

REUTERS

درس های حمله موشکی ایران برای رولپروبی احتمالی چین و آمریکا

باران موشک های ایرانی علیه اسرائیل در ماه اکتبر، پس از حمله مشابه در ماه آوریل، ارزش ها و ضعف های سامانه های دفاع موشکی آمریکا و متحدانش را در یک درگیری احتمالی با چین در حوزه اقیانوس های هند و آرام نشان داد. هر چند تفاوت های این دو سناریو می تواند تجربه های قابل اندوختن را محدود کند، اما ۴۰۰ موشک از انواع مختلف که توسط ایران به سمت اسرائیل شلیک شد، می تواند به آمریکا در مقابله با چین نشان دهد که چه چیزی درست عمل می کند و چه چیزی درست عمل نمی کند. کالین کوه، استاد دانشکده مطالعات بین الملل اس. راجاراتنام در سنگاپور می گوید که برای واشنگتن، اصلی ترین درس از حمله یک اکتبر ایران که می توان آن را بزرگترین نمونه از شلیک موشک های بالستیک علیه سامانه های مدرن دفاعی دانست، می تواند این باشد که موشک های چینی مشکل تر از موشک های ایرانی قابل رهگیری هستند و باید برای بازدارندگی در مقابل یک حمله عظیم، توانایی حمله متقابل وجود داشته باشد. این استاد دانشگاه می گوید: «اگر صرفاً با اینکه بازدارندگی به قضیه نگاه کنید نتیجه می گیرید که فقط با اقدام سلبی نمی توان بازدارندگی ایجاد کرد و نمی توان صرفاً امیدوار بود که دفاع مؤثر بتواند جلوی اثرگذاری حمله موشکی را بگیرد و در نتیجه بازدارندگی از طریق تنبیه باید به گزینه اصلی آینده تبدیل شود.» در شرایط کنونی هیچ تهدید فوری موشکی در منطقه اقیانوس های هند و آرام وجود ندارد. فاصله های هزاران کیلومتر باعث می شود که شرایط با خاور میانه متفاوت باشد. سلاح های چین پیشرفته تر از ایران است و سرهای جنگی با قابلیت مانور و هدایت پذیر نقطه زن در اختیار دارند. با این حال اهداف به صورت پراکنده در منطقه پخش شده اند که باعث می شود حمله وسیع موشکی به آنها مشکل باشد. آنکیت پاندا، پژوهشگر اندیشکده موقوفه کارنگی برای صلح بین المللی می گوید که آگاهی از عملکرد سامانه های تهاجمی و تدافعی پس از پرتاب گسترده موشک های ایرانی که بسیاری از آنها رهگیری شد، می تواند بحث منازعه را کاهش دهد. پاندا می گوید: «هر نیروی نظامی که بخواهد حمله موشکی با برد بالا انجام دهد باید در مورد اثرگذاری دفاع موشکی مطالعه کند. مطمئناً اگر آگاهی کافی در این مورد وجود نداشته باشد که سامانه دفاعی مربوطه چگونه عمل می کند آنگاه ممکن است نتیجه تشدید قابل توجه تنش باشد.» دفاع چند لایه هوایی اسرائیل از سامانه پیکان تا سپر گنبد آهنین برای مقابله با تهدیدهای کم سرعت تر و کمتری پیچیده طراحی شده است و مشخصاً برای مقابله با تهدیدهایی که متوجه آن است تنظیم شده است؛ یعنی موشک های بالستیک هدایت شونده ایران و راکت های غیرهدایت شونده که دقیقاً از نزدیکی مرزها شلیک می شوند اما این تصویر برای منطقه اقیانوس های آرام و هند (ایندوسیا فیک) برای آمریکا و متحدانش متفاوت است. این نیروها از سامانه های دفاع موشکی THAAD و Aegis ساخت لاکهید مارتین و ریتون استفاده می کنند. براساس اطلاعات پروژه دفاع موشکی مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی، دقت موشک های DF-۲۶ چین که پرشمارترین موشک متعارف میان برد این کشور است، حدود ۱۵۰ متر برآورد می شود. موشک DF-۲۱-DF که برد کوتا تری دارد و نمونه های متنوع تری از آن تولید شده است، دقت ۵۰ متری دارد. هر دو نوع موشک می توانند اکثر اهداف مرتبط با آمریکا و متحدانش را در منطقه هدف قرار دهند. موشک DF-۲۶ توانایی رسیدن به گوام را دارد که بخش بزرگی از تاسیسات نظامی آمریکا در آن قرار گرفته اند. براساس برآورد پنتاگون، چین صدها نمونه از این موشک را در اختیار دارد. در برابر موشک های فنتاخ-۱ ایران از لحاظ نظری دقیق تر هستند (در شعاع چند ده متر) اما برد بسیار کمتری دارند. تعداد این موشک ها علفی در اختیار نیست اما گنبد میک کنزی، ژنرال نیروی هوایی آمریکا، سال گذشته به کنگره آمریکا گفت که ایران بیش از ۳۰۰ موشک بالستیک از انواع مختلف در اختیار دارد. مالکوم دیویس، تحلیل گر ارشد مؤسسه سیاست گذاری استراتژیک استرالیا معتقد است که توانمندی های چین از جنبه های مختلف از ایران بیشتر است. به اعتقاد او حملات موشکی چین احتمالاً به شکل هماهنگ شده همراه با حملات ضدماهواره ای و جنگ سایبری انجام خواهد شد تا دفاع را پیچیده تر کند. دیویس می گوید: «سامانه های جامع دفاع هوایی و موشکی غربی در منطقه اقیانوس های هند و آرام نسبت به آنچه ایران توانایی انجام آن را دارد، وضعیت بسیار مشکل تری در مواجهه با یک حمله گسترده موشکی چین که ممکن است همزمان با صدها یا حتی هزاران موشک انجام شود، خواهند داشت.»